

متن پرسش

ضمن عرض سلام و تشکر، در مورد کتاب تمدن زایی شیعه مطالبی به ذهن بنده می رسد که خواهشمند است پاسخ بفرمایید. آنچه از کتاب بر می آید این است که علوم پایه و از جمله فیزیک را بین تمام تمدن ها مشترک می دانید و معتقدید که صرفا باید سعی شود که میل الهی به این علوم مسلط شود. به عبارتی معتقدید که فیزیک کشف یک سری از قواعد و واقعیات عالم است که وقتی میل شیطانی و نفس اماره بر آنها حاکم شود به علوم مهندسی تبدیل می شود. به عنوان مثال در صفحه ۲۲۷ می فرمایید: "پس علوم جدید و پیرو آن علوم پایه مربوطه از جهت حس و عقل منحصر به غرب نیست هرچند در تحلیل و جهت دهی به آن بر اساس فرهنگ ملتها متفاوت مطرح شود. از این به بعد است که به علمی مثل برق و مکانیک می رسیم. از اینجا به بعد کنار ریاضیات و یا کنار حسیات نقش دل و گرایش ملتها پیش می آید. آن علمی که عبارت است از "استعداد عقلی" به اضافه "میلهای شخصی" منجر به علم مکانیک می شود... مکانیک عبارت است از تفکر ریاضی به اضافه نگاهی خاص به قواعد طبیعت جهت تسخیر هرچه بیشتر آن" اما به نظر بنده بین این دو مرحله یعنی تفکر ریاضی به اضافه نگاهی خاص به قواعد طبیعت، مرحله دیگری نیز وجود دارد که نباید از آن غفلت کرد و آن این است که قبل از اینکه وارد بحث کاربرد و جهت گیری و میل دهی به قواعد فیزیک شویم باید این را هم در نظر بگیریم که فیزیک این واقعیت های تجربی را چگونه توجیه و تفسیر می نماید یا به عبارت بهتر برای توجیه این واقعیت های فیزیکی از چه مدل هایی استفاده می نماید یا به قول ایان باربر چه "تعبیراتی" وارد آن می نماید. مثلا آزمایش نشان می دهد که اگر یک سیم پیچ را در کنار یک آهنربا حرکت دهیم، برق تولید می شود. این یک حقیقت در عالم است. اما فیزیک تنها کشف این حقایق نیست بلکه توجیه اینکه چگونه این اتفاق رخ می دهد و ارتباط دادن آن با مدل اتمی و... مدلسازی و یا به قول ایان باربر "تعبیری" است که این "تعبیرات" نیز جزیی از علم فیزیک است که طبق نظر لرد کلونین ممکن است کاملا منطبق بر واقعیت نباشد. به نظر اینجانب این "تعبیرات" در مورد مبنایی ترین مباحث فیزیک نیز وجود دارد که نمی توان فیزیک را از این تعبیرات جدا دانست. به عنوان مثال اگر بخواهیم با دیدگاه نیوتنی حرکت یک جسم را بررسی نماییم - قبل از آنکه بحث جهت دهی به آن در جهت نفس اماره مطرح شود- باید اصول فیزیک نیوتنی را بپذیریم. یکی از اصول فیزیک نیوتن آن است که جسم تمایل دارد حالت قبلی خود را حفظ کند مگر آنکه عاملی باعث بر هم خوردن حالت قبلی آن شود. به عبارت بهتر اصالت را به حفظ حالت قبلی می دهد بر خلاف حرکت جوهری که اصالت را به حرکت می دهد. نیوتن با استفاده از همین اصل، مفاهیم جرم و

نیرو را مطرح می کند. در فیزیک نیوتنی جرم، عاملی است که باعث می شود ماده در مقابل تغییر وضعیت مقاومت کند. بنابراین پذیرش فیزیک نیوتن به معنای نفی حرکت جوهری است خواه در جهت صحیح از آن استفاده کنیم یا در جهت تسلط نفس اماره بر طبیعت و همان طور که قبلاً خدمتتان عرض نموده ام نیوتن شاگرد مکتب دکارت بوده است و در واقع فیزیک او همان توجیه عالم ماده است با زبان ریاضی دکارت. مثال دیگر در مورد وجود این "تعبیرات" در فیزیک جدید یا فیزیک کوانتوم مطرح است. بر خلاف نظر شما که در صفحه ۲۲۱ می فرمایید: "در بحث احتمالات اصلاً بحث وهم مطرح نیست بحث اطلاع از همه واقعیت مطرح است" به نظر حقیر، در فیزیک جدید یا ترمودینامیک آماری احتمال ذاتی پدیده هاست نه اینکه چون ما اطلاع از تمام جوانب نداریم احتمال را وارد می نماییم. به همین جهت است که انیشتین در جواب آنها می گوید من قبول ندارم که خداوند با تاس انداختن کار عالم پیش می برد. از جمله کاربردهای نظریه احتمال در ترمودینامیک، مبحث آنتروپی است. طبق قانون دوم ترمودینامیک (قانون آنتروپی) فرایندهایی قابل انجام هستند که بی نظمی در آنها افزایش یابد یعنی از "احتمال بیشتر" به "احتمال کمتر" حرکت کنند. یا به عبارت فیزیکدانان جهان به سوی بی نظمی حرکت می کند. بنابراین در تکمیل بحث صفحه ۳۲۷ که می فرمایید "نباید علم ترمودینامیک را بریده از این تمدن ارزیابی کرد و سوال نمود آیا علم ترمودینامیک شیطانی است یا الهی. ببینید با چه روحیه ای ایجاد شده است و به کجا منتهی می شود و چه انگیزه ای آن را مدیریت می کند" باید گفت که علاوه بر انگیزه و جهت دهی، لازم است "تعبیراتی" که علم ترمودینامیک با استفاده از آنها رفتار عالم را توجیه می کند بررسی نمود که به نظر اینجانب روحیه سکولاریسم در مبانی این علم نیز رسوخ دارد. با تشکر

متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی بسیار بسیار مسرور شدم که با این دقت مباحث «تمدن زایی شیعه» را دنبال فرموده اید. بنده نیز تلاش کرده ام در جلسه هفتم و نهم مخاطب را به این برسانم که در علوم پایه هم نگاه تمدن غربی غیر از نگاهی است که یک انسان موحد می تواند داشته باشد و در مورد آمار یا باید گفت نظر شما درست است و از طرف بنده مسامحه شده و یا باید گفت در علم آمار باید جنبه ریاضی بودن آن را از جنبه ای که ترمودینامیک مدّ نظر دارد جدا کنیم، ولی روح بحث همانی است که شما می فرمایید. موفق باشید